

چشم‌انداز روابط آمریکای ترامپ با انگلیس، آلمان و فرانسه

جواد مددی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 4، پیاپی 72، زمستان 1396؛ صفحات 90-65

تاریخ دریافت: 1396/11/15 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/12/12

چکیده

مناسبات میان اروپا و آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و در بطن آن، رابطه با کشورهای انگلستان، فرانسه و آلمان به عنوان قدرت‌های اصلی این قاره، به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوع‌های محافل دانشگاهی و پژوهشی تبدیل شده است. در واقع، کنش‌های غیرمعمول ترامپ، دگردیسی مناسبات میان آمریکا با جامعه جهانی را در مقام یک مسئله مهم مطرح کرده است. در همین راستا، در پژوهش حاضر این پرسش مطرح شده است که «روند روابط انگلستان، فرانسه و آلمان با آمریکا در عصر دونالد ترامپ دچار چه دگردیسی‌هایی شده و آینده آن به چه سمتی پیش خواهد رفت؟» به طور کلی، با به قدرت رسیدن ترامپ، چه چالش‌ها و اصطکاک‌هایی میان این سه کشور با آمریکا ایجاد شده است. کشور آلمان به رهبری آنگلا مرکل، تقابلی جدی با مواضع ترامپ داشته و خواهان استقلال موضع اروپا در برابر آمریکای ترامپ شده است. در مقابل، کشور انگلستان به رهبری ترمزای به دلیل خروج از اتحادیه اروپا، خود را مجبور به همکاری و همگرایی با ترامپ می‌داند. کشور فرانسه با مدیریت مکرون نیز، رویکرد بینابینی تقابل و همکاری را در پیش گرفته است و در آینده شاهد تداوم همین رویکرد در روابط پاریس و واشنگتن خواهیم بود.

واژگان کلیدی

اروپا، آمریکا، دونالد ترامپ، آنگلا مرکل، امانوئل مکرون، ترزا می، آلمان، فرانسه و انگلستان.

* کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای و پژوهشگر مسائل غرب آسیا Jv.madadi@yahoo.com

پیروزی دونالد ترامپ در چهل و پنجمین رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا، یکی از مهم‌ترین رویدادهایی بود که عرصه سیاست بین‌الملل را متأثر ساخت. ترامپ در مقام نماینده جناح راست افراطی آمریکا، برخلاف رویه معمول در سطح جهانی، با طرح شعارهای نژادپرستانه و افراط‌گرایانه، خواهان به چالش کشیدن معادلات جهانی و نقش آمریکا در عرصه بین‌الملل شد. ترامپ در دوران رقابت‌های انتخاباتی خود، بارها و به شدت از اتحاد‌های قدیمی که آمریکا در آن حضور داشت، انتقاد کرد و خواهان بازتعریف مناسبات و اشنگتن با متحدان خود شد. در این میان، مناسبات آمریکا با کشورهای اروپایی و در راس آن‌ها کشورهای آلمان، انگلستان و فرانسه بیش از سایر متحدان و کشورهای دوست آمریکا به عنوان مسئله‌ای جدی مطرح شد. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای بود که حتی در جریان رقابت انتخاباتی میان هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ، رهبران این سه کشور قدرتمند اروپایی به صورت غیرمستقیم، مخالفت ضمنی خود را با پیروزی دونالد ترامپ نشان دادند. بعد از پیروزی ترامپ در انتخابات نیز، التهاب سیاسی بزرگی بر کلیت کشورهای اروپایی و نیز این سه کشور حاکم شد. در واقع، این کشورها با توجه به شخصیت پیچیده و نامتعادل ترامپ، بسیار نگران آینده روابط خود با آمریکای ترامپ شدند. چرا که مناسبات آمریکای دوره ترامپ با این سه کشور قدرتمند اروپایی و نوع کنش‌ها و روابط میان آن‌ها می‌تواند تعیین‌کننده آینده مناسبات میان واشنگتن و قاره اروپا باشد.

با نظر به این تفاسیر، پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که آیا روند مناسبات انگلستان، فرانسه و آلمان با آمریکا در عصر دونالد ترامپ دچار دگردیسی شده است؟ این دگردیسی‌ها چه بوده و آینده روابط میان آمریکا با این کشورها به چه سمتی پیش خواهد رفت؟ در پاسخ به این پرسش اساسی، مهم‌ترین محورها و مسائلی که به عنوان چالش روابط میان ترامپ و اروپا مطرح



شده است واکاوی می‌شود. در ادامه نیز، روند کنونی و آینده مناسبات هر یک از کشورهای آلمان، انگلستان و فرانسه با آمریکای ترامپ به صورت مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

1. روند کنونی و آینده مناسبات انگلستان، فرانسه و آلمان با دولت ترامپ

در بررسی مناسبات کشورهای اروپایی با دولت آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، مهم‌ترین نقش را باید برای سه قدرت اصلی این قاره؛ یعنی آلمان، انگلستان و فرانسه متصور شد. چرا که اتحاد این قدرت‌های اروپایی با آمریکا در دهه‌های گذشته، نقش بسیار زیادی در تعیین سازوکارهای سیاست غرب در قبال مسائل جهانی داشته است، از این رو، بررسی مناسبات این سه کشور با آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ از این جهت که می‌تواند تأثیری زیادی بر سیاست‌های کاخ سفید برجای بگذارد و روند معادلات در صحنه جهانی را دگرگون کند، بسیار حائز اهمیت است. براین اساس، عصر دونالد ترامپ در آمریکا می‌تواند به دورانی برای دگرپرسی در مناسبات چند دهه‌های آمریکا با اروپا تبدیل شده و به تبع آن روابط طرفین را با فراز و نشیب‌های فراوانی مواجه سازد. این دگرپرسی در قالب محورهایی است که بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا، به عامل شکاف میان کشورهای اروپایی به‌ویژه سه کشور انگلستان، آلمان و فرانسه با آمریکا تبدیل شده‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اختلافات طرفین بر سر ایران و توافق هسته‌ای (برجام) اشاره کرد. البته در این میان این سه کشور قدرتمند اروپایی، بدون تردید به دلیل اختلاف مواضع جدی و نقش فزاینده کشور آلمان در عرصه تحولات بین‌المللی؛ بیشترین ملاحظات به سیاست‌های تقابلی مرکل و ترامپ معطوف خواهد شد.



1-1. آلمان و ترامپ؛ سهم خواهی و قدرت‌نمایی مرکل در تقابل با هژمونی طلبی ترامپ رهبران آلمان و آمریکا در طول 77 سال گذشته؛ یعنی از سال 1950 به بعد، همواره سطحی از منافع و اهداف مشترک را دنبال کرده‌اند. پیوندهای میان دو کشور نیز همواره در قالب چارچوب بزرگ آتلانتیک‌گرایی و نه براساس منافع شخصی (منفرد) بوده است؛ چنانکه با وجود تغییر در محافل رهبری جهانی و حتی به رغم درگیری‌های اجتناب‌ناپذیر در هفت دهه اخیر، این چارچوب همچنان باقی مانده است. با وجود این، در حالیکه در دوران باراک اوباما، اصلی‌ترین شریک فرآتلانتیکی آمریکا، آنگلا مرکل بود و اوباما در آخرین سفر رسمی خود به اروپا، از خانم مرکل به‌عنوان «نزدیک‌ترین شریک بین‌المللی خود در طی هشت سال گذشته یاد کرد.» (یوریکا، 1395)، اما با ظهور ترامپ در آمریکا این روند دچار تغییر نزولی شده و دورانی جدید در مناسبات میان دو کشور شکل گرفت. همین مسئله نیز، نگرانی جدی را در میان رهبران سیاسی آلمان ایجاد کرد. هر چند مرکل، به‌عنوان صدراعظم این کشور همچنان در صدد ایجاد راه‌های ارتباط با ترامپ بوده و مقامات آمریکایی نیز تا حدودی تلاش کرده‌اند خود را متعهد به اروپا نشان دهند (که می‌توان نماد آن را در سفر مایک پنس، معاون دونالد ترامپ به اروپا ارزیابی کرد) اما روند معادلات نشان می‌دهند که ضرورت طرح روایتی جدید برای بازخوانی مناسبات برلین و واشنگتن در دوره ترامپ وجود دارد (Jackson Janes, 2017). با نظر به تمام این تفاسیر، مهم‌ترین شکاف‌های دولت آلمان با آمریکای عصر دونالد ترامپ را می‌توان در قالب محورهای چهارگانه ذیل مورد بررسی قرار داد:

– مسئله برگزیت و وحدت اروپا

یکی از موضوعات مهمی که موجب اختلاف میان آمریکای ترامپ و اروپا شده است، حمایت ترامپ از «برگزیت» (خروج انگلستان از اتحادیه اروپا) می‌باشد. بطوری که، متعاقب انتخاب دونالد ترامپ، بسیاری از رهبران اروپایی نسبت به



تعهدات ایالات متحده آمریکا در قبال متحدان اروپایی‌اش هشدار دادند. در این میان، مهم‌ترین نگرانی آنان، گسترش موج پوپولیسم و ناسیونالیسم در اروپا با حمایت‌های نسبی ترامپ بود، به ویژه اینکه کشورهایی همانند هلند، آلمان و فرانسه، انتخابات پارلمانی را پیش رو داشتند و در این کشورها راست‌های افراط‌گرا با طرح انتقادات شدید به عملکرد دولت‌ها و طرح مسائل ناسیونالیستی در پی کسب قدرت بودند. این مسئله، به عنوان آزمونی بزرگ برای قدرت و استقامت اتحادیه اروپا مطرح شد زیرا ترامپ با صراحت از مسئله برگزیت حمایت کرده بود. از این رو اروپایی‌ها و به طور خاص کشور آلمان از این بابت بسیار نگران بودند که مبدا برگزیت‌های بعدی بر اتحادیه اروپا تحمیل شود (Mark Blyth, 2016).

بر همین مبنا، اولین شکاف میان ایالات متحده در عصر ترامپ و آلمان با خروج انگلستان از اتحادیه اروپا همراه شد. این خروج از یک سو موجب تضعیف نفوذ لندن در برلین و افزایش قدرت آلمان در اتحادیه اروپا شد و این ضرورت را برای لندن ایجاد کرد که برای دسترسی به بازارهای اتحادیه اروپا در سیاست‌های اقتصادی خود بازنگری کند. از سوی دیگر، چشم‌انداز آلمان امن و لیبرال بعد از سال 1945 در همکاری با آمریکا و انگلستان، متحمل شکست شد. (David, 2017). چنانکه رئیس‌جمهور آمریکا در ماه می 2017 در توییته نوشت: «رابطه واشنگتن با آلمان برای ایالات متحده آمریکا بسیار بد است و این روند نیز تغییر خواهد کرد.» (Louis Nelson, 2017). ترامپ در توییته دیگر در همین ماه نوشت: «ما کسری تجاری عظیمی با آلمان داریم. همچنین، آن‌ها کمتر از آن‌چه که لازم است در ناتو و مسائل نظامی، هزینه می‌کنند.» او در ادامه نوشت: «این روند تغییر خواهد کرد.» بسیاری از تحلیلگران اروپایی درباره دلیل تضعیف روابط آمریکا و آلمان معتقدند در حالی که ترامپ از ابتدای ریاست‌جمهوری خود، آنگلا مرکل را مهم‌ترین رقیب خود در صحنه جهانی می‌داند، آلمانی‌ها نیز

به دنبال استقلال بیشتر از آمریکا هستند. برای نمونه، رئیس حزب کمونیست آلمان در یک نشست خبری در واشنگتن در ماه می 2017 اظهار داشت: «ما اروپایی‌ها باید سرنوشت‌مان را در دست‌مان خود بگیریم.» در همین راستا، آنگلا مرکل نیز تأکید می‌کند: «دوره‌ای که ما بتوانیم به طور کامل به دیگران تکیه کنیم، تا حدود زیادی به پایان رسیده است (Ibid).

این روند نشان می‌دهد که آلمان و صدر اعظم آهنین آن؛ یعنی آنگلا مرکل، در برابر زیاده‌خواهی‌های دونالد ترامپ، خواهان مقابله و مقاومت اتحادیه اروپا هستند. بر همین اساس؛ مرکل پیوسته از ضرورت استقلال و بازگشت اروپا به دوران قدرت و عظمت خود سخن به میان آورده است. برای نمونه، صدر اعظم آلمان قبل از آغاز نشست سران گروه «جی 7» 28 می 2017، این نشست را «یک علیه شش» خوانده بود و خواستار استقلال و خوداتکایی بیشتر اروپا شد. صدر اعظم آلمان همچنین گفته بود در جریان نشست سران گروه هفت، «بحثی جنجالی» با دونالد ترامپ، داشته و دیگر رهبران حاضر هم تلاش کرده‌اند آقای ترامپ را قانع کنند به توافق‌نامه زیست‌محیطی پاریس پایبند بماند، اما بعد از خروج رسمی آمریکا از توافق‌نامه زیست‌محیطی پاریس، تقابل جدی مرکل و آلمان با ترامپ به صورت رسمی وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله، صدر اعظم آلمان بیش از آن‌که در پی تقابل انفرادی دو کشور با یکدیگر باشد، قصد دارد در نقش رهبر اتحادیه اروپا در برابر آمریکا ایستادگی کند. به عبارتی، مرکل در پی آن است که با قدرتمند کردن هر چه بیشتر اتحادیه اروپا، در برابر آمریکای ترامپ ایستادگی کند.

– تقابل جویی مرکل در برابر هژمونی خواهی ترامپ

با بررسی تاریخی رفتار و کنش آلمان در اروپا و وضعیت و جایگاه کنونی آن می‌توان گفت که این کشور به همراه فرانسه، نقش رهبری را در اتحادیه اروپا



داشته و همچون متولی و تصمیم‌گیرنده اصلی این اتحادیه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایفای نقش کرده است. در واقع، اگرچه آلمان پس از جنگ جهانی دوم برای فرار از انزوایی به سمت همکاری با جامعه جهانی و کشورهای اروپایی رفت اما هیچگاه رویکرد برتری طلب رفتاری خود را کنار نگذاشت و همواره درصدد فرصتی برای احیای قدرت گذشته خود بوده است. اگرچه آلمان مجبور شد در نقش یک عضو وارد عرصه همکاری و هماهنگی با کشورهای اروپایی شود، اما به‌رغم این تغییر رفتاری، این کشور همچنان ذات برتری طلب و رهبری جوی خود را در اروپا پیگیری کرده است. در حالت حداقلی، آلمان قصد دارد در قالب برادر بزرگ‌تر و متولی اتحادیه اروپا عمل کند و در همین قالب مجبور است با آمریکای برتری‌جو و قدرت طلب ترامپ مقابله کند.

در واقع، در روانشناسی جمعی شهروندان آلمانی، انگیزه برتری‌جویی و رقابت همواره وجود داشته است. همین موضوع نیز سبب شده این کشور، از ظرفیت‌های لازم اقتصادی و سیاسی خود برای بر عهده گرفتن نقش رهبری اتحادیه اروپا بهره بگیرد. بنیان‌های مادی (جمعیت، سرزمین، توسعه اقتصادی) و ذهنی (انگیزه آلمانی‌ها به برتری‌جویی) موجب شده که برلین تلاش کند نقش رهبری خود را در اتحادیه اروپا همچنان حفظ کند. با این وجود، سیاستمداران آلمان تلاش می‌کنند که کشور فرانسه را در کنار خود داشته باشند زیرا اگر کشور آلمان، تنها باشد از یک سو تمکین کردن به آن دشوار است و از سوی دیگر، مشروعیت این کشور کاهش پیدا خواهد کرد. در تداوم همین رویکرد، آلمان در شرایطی که ترامپ برای حصول منافع آمریکا از واگرایی و تکرار پدیده‌هایی هم‌چون برگزیت در اروپا حمایت می‌کند، کاملاً متعهد به اتحادیه اروپا است و به نظر می‌رسد در آینده نیز این وفاداری خود را حفظ خواهد کرد. بنابراین، این کشور در آینده با هرگونه واگرایی در این اتحادیه مخالفت کرده و در این راستا تلاش خواهد کرد که بر نقش کلیدی خود بیش از پیش افزوده و دخالت‌های



ترامپ در امور اتحادیه اروپا را کاهش دهد (مهربان، 1396).

در سطحی دیگر، در وضعیت جدید کشور آلمان تلاش می‌کند که با حفظ وحدت در اتحادیه اروپا، قدرت سیاسی و اقتصادی این اتحادیه را افزایش دهد و از آن به عنوان عامل قدرت در برابر آمریکا و دیگر کشورها همانند چین، ژاپن و روسیه بهره‌گیرد. علاوه بر این، به منظور تقابل با آمریکا در عصر ترامپ پی می‌گیرد، توسعه و بهبود جایگاه و پرستیژ بین‌المللی خود است. آنگلا مرکل در شرایط کنونی تلاش می‌کند آلمان نقشی فراتر از نقش‌های اقتصادی در معادلات جهانی داشته باشد. مرکل قصد دارد طی دهه‌های آینده از اعتبار اتحادیه قدرتمند اروپایی به عنوان ابزاری برای حفظ جایگاه و پرستیژ بین‌المللی خود در عرصه معادلات سیاست بین‌الملل بهره‌بگیرد (مهربان، 1396). اتخاذ چنین سیاستی از سوی آلمان، بدون شک زمینه‌ساز افزایش اختلافات آمریکا و آلمان در حوزه‌ها و مناطق مختلف از جمله در خاورمیانه خواهد شد، چرا که سیاست قدرت‌طلبی آلمان در عرصه‌های مختلف می‌تواند با منافع آمریکا در برخی از این عرصه‌ها در تضاد باشد.

– اختلاف‌نظر پیرامون برجام و نوع تعامل با تهران

علاوه بر محوریت قدرت‌خواهی آلمان در برابر آمریکا در عصر دونالد ترامپ و تلاش مرکل برای حفظ وحدت اروپا در برابر واشنگتن، یکی دیگر از مهم‌ترین محورهای اختلاف دو کشور را می‌بایست در بحث برجام و نوع تعامل با ایران جست‌وجو کرد. در حقیقت، متعاقب به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، یکی از اصلی‌ترین موارد اختلاف میان اروپا و آمریکا، «برجام» (برنامه جامع اقدام مشترک) بوده است. در حالی که مقام‌های اتحادیه اروپا از جمله مرکل بارها خواستار تعهد طرف‌ها به این معاهده بین‌المللی شده‌اند، رئیس‌جمهور آمریکا مکرراً از غلط خواندن این توافق و ضرورت لغو و اصلاح آن سخن گفته است.

در حقیقت، مخالفت‌های آمریکا با برجام به بستری مهم برای واگرایی اتحادیه اروپا از آمریکا بدل شده است. به‌ویژه آنکه کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و انگلستان بارها بر تعهد خود به اجرایی شدن برجام تأکید کرده و اظهارات ضد برجام ترامپ را مورد سرزنش قرار داده‌اند (نشست جی 7، 1396). در واقع، در مسیر امضای برجام، اتحادیه اروپا از ابتدا به عنوان یک هویت مستقل حضور داشت و از همین جهت، در ماه‌های گذشته نیز، رهبران کشورهای اروپایی حمایت قاطعانه خود از حفظ برجام را بارها اعلام کرده و نسبت به انزوای آمریکا در صورت خارج شدن از این معاهده بین‌المللی هشدار داده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که مواضع سرسختانه ترامپ در قبال برجام، به زمینه‌ای برای تنش و واگرایی میان آمریکا و اروپا تبدیل شده است.

در این میان کشور آلمان، بیش از سایر قدرت‌های اروپایی بر حمایت و و دفاع از ضرورت حفظ برجام ابراز تمایل کرده است. برای نمونه، زیگمار گابریل وزیر خارجه آلمان، در سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی مونیخ که در روزهای 16 تا 18 فوریه 2018 برگزار شد، با صراحت تأکید کرد که با وجود اینکه اجازه نخواهیم داشت که تهران به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود اما از شرکای آمریکایی مان می‌خواهیم که برنامه جامع اقدام مشترک را لغو نکنند.» (Deutsche Well, 17 April 2018). همچنین، در اظهاراتی دیگر، آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان نیز در گفت‌وگوی تلفنی خود با دونالد ترامپ، در 29 سپتامبر 2017 از توافق اتمی دفاع می‌کند و برجام را «بزار مهمی» می‌داند که «می‌تواند موجب ایجاد صلح و پیشگیری از رقابت‌های هسته‌ای» شود (عصر ایران، 29 سپتامبر 2017). مجموع این اظهارات و دیگر کنش‌های مقامات دولتی کشور آلمان نشان می‌دهد که برجام یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف میان برلین و واشنگتن می‌باشد و در آینده نیز این مسئله می‌تواند شکاف‌های دو کشور را بیش از پیش افزایش دهد. حتی در صورت خروج آمریکا از برجام، این امر پیش‌بینی می‌شود

که برلین به هیچ عنوان واشنگتن را در بازگشت تحریم‌ها و اعمال تحریم‌های جدید همراهی نکند.

– مسئله تجارت آزاد و مناسبات اقتصادی اروپا با واشنگتن

علاوه بر مسئله برجام و ساختار امنیتی آتلانتیک، در بُعد اقتصادی و تجارت نیز به قدرت رسیدن ترامپ به چالشی بزرگ برای کشورهای اروپایی به ویژه آلمان تبدیل شده است. در حقیقت، ایالات متحده و اروپا بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در جهان و در عین حال، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در بازارهای یکدیگر هستند. در زمان اوباما، اروپا و آمریکا برای انعقاد پیمان تجارت آزاد تلاش کردند اما در دولت دونالد ترامپ، عضویت آمریکا در «پیمان آسیا پاسفیک» لغو شد که همین مسئله نیز نگرانی‌هایی را برای اروپا به ارمغان آورد، چرا که مخالفت ترامپ با پیمان‌های تجارت آزاد، هشدار برای سایر سازمان‌های مالی و اقتصادی است و تعلیق گفت‌وگوهای پیمان تجارت آزاد میان اتحادیه اروپا و آمریکا یک نشانه هشداردهنده در این ارتباط بود (نشست جی 7، 1396). همچنین، برنامه ترامپ برای ایجاد تعرفه‌های گمرکی سنگین بر واردات کالاهای خارجی به آمریکا و تلاش برای بازگشت سرمایه‌ها به آمریکا، موجب نگرانی شدید کشورهای اروپایی به ویژه شده که بخش بزرگی از قدرت اقتصادی خود را در بازار آمریکا جست‌وجو می‌کند.

در واقع، سیاست اقتصادی جدید دولت ترامپ که در 3 مارس 2018 تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم را به به 25 و 10 درصد افزایش داد موجب نگرانی شدید کشورهای اروپایی و به‌طور خاص برلین شد (Donnelly, 2 March 2018). این تصمیم ترامپ با واکنش شدید آنگلا مرکل صدراعظم آلمان همراه شد. مرکل در 9 مارس 2018 تأکید کرد: «من مایل نیستم لحن مبارزه‌جویانه‌ای اتخاذ کنم چرا که چنین کاری کمک نمی‌کند اما اعمال تعرفه‌های بیشتر اقدام خوبی نیست. این مسئله



روی اقتصاد جهانی — و نه فقط اقتصاد یک کشور— تأثیر خواهد داشت.» (BBCnews, 9 March 2018). در مجموع می‌توان اظهار داشت که مناسبات اقتصادی به یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف میان برلین و واشنگتن تبدیل شده است. در همین زمینه، پیش‌تر نیز بریگیته سپیریس¹ وزیر اقتصاد دولت آلمان با صراحت دستورالعمل اجرایی ترامپ برای جبران یا به حداقل رساندن کسری بودجه آمریکا را نادرست خطاب کرده بود و بر این صحنه گذاشته بود که ترامپ کشور آمریکا را در مسیر کاملاً اشتباه قرار داده است (Christys, 2 Apr 2017).

2-1. انگلستان و ترامپ؛ برگزیت و التزام نزدیکی به آمریکا

روابط انگلستان با آمریکا را می‌توان یکی از خاص‌ترین مناسبات در تاریخ جهان ارزیابی کرد. مردم آمریکا استقلال خود را از کشور ابرقدرت زمانه در سده هجدهم؛ یعنی انگلستان گرفتند و بعدها ورق تاریخ به گونه‌ای شد که آمریکا، سرزمینی که زمانی تحت سلطه انگلیسی‌ها بود، به یکی از ابرقدرت‌های جهان تبدیل شد و بالعکس انگلستان به عنوان قدرتی ضعیف‌تر، مسیر همگرایی با آمریکا را در پیش گرفت. تاریخ آغاز این نوع روابط را می‌توان به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم نسبت داد. چنانکه از آغاز جنگ سرد تا کنون، آمریکا و انگلستان، دو متحد جدایی‌ناپذیر بوده و بیشترین نزدیکی را در اتخاذ سیاست‌ها و راهبردها در عرصه جهانی داشته‌اند.

در حقیقت، آمریکا و انگلیس همواره متحد استراتژیک یکدیگر بوده‌اند تا جایی که تحلیل‌گران، نام «روابط خاص» را بر رابطه دو کشور نهاده‌اند. اما برخی تحلیل‌ها حکایت از آن دارند که اختلافات دو طرف بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، این «روابط خاص» را تا حدودی دچار تزلزل خواهد کرد. در واقع، برخی از کارشناسان بر این باورند که ترامپ با رویکرد افراط‌گرایانه خود

1. Brigitte Zypries

در زمینه بحران‌های زیست محیطی، مسئله برجام و اتخاذ سیاست‌های انقباضی در عرصه واردات به آمریکا زمینه را برای واگرایی بیشتر میان لندن و واشنگتن فراهم خواهد کرد. اما در مقابل برخی دیگر از تحلیل‌گران معتقدند اختلافات کنونی دو کشور زودگذر است، چرا که ضرورت‌های موجود برای کشور انگلستان، دولت لندن را مجبور به نزدیکی و حتی در مواردی همراهی کامل با ترامپ و سیاست‌های او خواهد کرد. با دقت نظر در این تفاسیر می‌توان وضعیت کشور انگلستان را بسیاری متفاوت از آلمان ارزیابی کرد؛ زیرا بر خلاف برلین که ابعاد تنش و اختلاف آن با سیاست‌های ترامپ بسیار برجسته بود اما لندن براساس ضرورت‌هایی که در نتیجه جدایی از اتحادیه اروپا، پیش‌رو دارد، بیشتر در صدد تعامل و نه تقابل با واشنگتن است. بنابراین می‌توان از زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی میان انگلستان و آمریکا در عصر ترامپ سخن به میان آورد. در همین راستا، مهم‌ترین محورهای تعامل میان دو کشور در عصر جدید را می‌توان در قالب چهار محور ذیل مورد بازخوانی قرار داد:

- برگزیت و نیاز به همراهی با آمریکا

مسئله برگزیت را می‌توان مهم‌ترین موضوعی ارزیابی کرد که محوریت نوع تعامل لندن با واشنگتن را در عصر ترامپ تعیین می‌کند. در همین ارتباط، در کشور انگلستان بسیاری به این باور رسیده‌اند که همزمانی خروج انگلیس از اتحادیه با ریاست‌جمهوری ترامپ، می‌تواند «روابط ویژه» انگلستان با ایالات متحده را مجدد احیا کند. همچنان‌که در زمان تبلیغات برای همه‌پرسی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، اظهارات ترامپ که «شما در انتهای صف نخواهید بود، این را مطمئن باشید»، امید بزرگی را بین سیاستمداران انگلستانی مبنی بر جان بخشیدن به روابط ویژه دو کشور ایجاد کرد. بطوری که، پیوندهای تجاری و فرهنگی ترامپ با انگلستان، حمایت وی از برگزیت و موج نارضایتی سیاسی مشترک بین طرفداران برگزیت و طرفداران ترامپ، جملگی سبب شدند



تا این تصور ایجاد شود که این دو کشور مجدداً به متحدانی سیاسی برای یکدیگر تبدیل خواهند شد. در مجموع، می‌توان عنوان کرد اگرچه ترامپ و ترزا می، نخست‌وزیر انگلستان بر سر بسیاری از مسائل با هم اختلاف نظر دارند، اما واقعیت آن است که انگلیس برای مقابله با دشواری‌های خروج از اتحادیه اروپا به کمک آمریکا نیاز دارد، ضمن آنکه توقف مذاکرات پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری فرآتلانتیک و میل ترامپ به دوری جستن از نوع همکاری مرکل و اوباما، آمریکا را نیز به سمت بهبود روابط با انگلیس، به‌ویژه در زمینه‌های تجاری سوق خواهد داد (ایران - یوریکا، 1395)

- تلاش برای بهبود مناسبات اقتصادی با آمریکا و احیای اقتصاد لندن

در دوران جدید که دیگر انگلستان در اتحادیه اروپا حضور ندارد، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها بهبود وضعیت اقتصادی لندن است. در همین راستا نیز شاهد بودیم که نخست‌وزیر انگلستان به عنوان اولین مقام بلندپایه یک کشور بزرگ، در 27 ژانویه 2017 و یک هفته پس از آغاز به کار رسمی ترامپ، به آمریکا سفر کرد. هر چند این سفر، بسیار طبیعی به نظر می‌رسد زیرا دو کشور هم به لحاظ سنتی و تاریخی به هم پیوند خورده‌اند و هم کمابیش سیاست و رویکرد مشابهی در برابر حوادث و رویدادهای مهم جهان دارند، اما دیدار ترزا می و دونالد ترامپ حاوی پیام‌های ویژه‌ای بود. ترزا می نیز که با وظیفه کلان مدیریت خروج از اتحادیه اروپا روبه‌رو بود، در ارتباط با توافق با ترامپ در موضوعات اقتصادی و بهبود زمینه‌های تجارت، اهمیت خاصی برای دیدار با ترامپ قائل بود. در همین ارتباط، دن رایتر، استاد علوم سیاسی دانشگاه اموری در آتلانتا گفته بود: «اگر ترزا می موفق شود در زمینه تجارت آزاد با آمریکا به توافق برسد، می‌تواند از فشارهای ناشی از خروج انگلستان از اتحادیه اروپا بکاهد.» (سایت دویچه وله، 2017). در مجموع به نظر می‌رسد، اگر ترزا می بخواهد از

برگزیت یک موفقیت جهانی بسازد، مذاکرات سریع توافق تجارت آزاد بین انگلستان و آمریکا برای او بسیار حیاتی است، اگرچه دشواری‌های بهره بردن از این فرصت نیز کم نیستند. همچنانکه نخست‌وزیر انگلستان گفته است در حالی که انگلستان «پرشورترین، مشتاق‌ترین و راضی‌ترین» حامی تجارت آزاد در دوران پسابزگزیت خواهد بود، اما ترامپ و دولت وی از وضع عوارض و ایجاد مانع سخن می‌گویند.

- اختلاف نظر لندن و واشنگتن پیرامون حفظ برجام

با وجود ضرورت‌هایی که در همراهی انگلستان با دولت دونالد ترامپ وجود دارد، یکی از مهم‌ترین محورهای شکاف میان لندن و واشنگتن در دو سال اخیر را می‌توان در ارتباط با موضوع برجام ارزیابی کرد. در واقع، مقام‌های سیاسی کشور انگلستان طی مقاطع مختلف بر ضرورت حفظ برجام و مخالفت با مواضع آمریکا تأکید کرده و موضوع لغو برجام را عاملی برای گسترش بی‌ثباتی در عرصه جهانی ارزیابی کرده‌اند. برای نمونه، بوریس جانسون¹ وزیر امور خارجه انگلیس همزمان با گذشت یک سال از اجرای برنامه جامع اقدام مشترک بر ضرورت حفظ این معاهده تأکید و تصریح می‌کند: «این توافق حسن بزرگی داشت و ما می‌خواهیم که به اجرای آن ادامه دهیم» (سایت انتخاب، 27 دی 1395). در مجموع، می‌توان اظهار داشت که علی‌رغم نیازهای فزاینده لندن به حمایت ترامپ، اما موضوع برجام همچنان به عنوان محوری تنش‌آفرین در مناسبات میان آمریکا و انگلستان وجود دارد و در آینده نیز می‌تواند نقشی تأثیرگذارتر در افزایش اختلافات میان دو کشور داشته باشد. در صورت لغو این توافق‌نامه از سوی ترامپ، به‌طور حتم بخشی از منافع اقتصادی و سیاسی لندن در ارتباط با ایران مورد تهدید قرار می‌گیرد و از این رو می‌توان اظهار کرد که

1..Boris Johnson

انگلستان در وضعیت بعد از لغو احتمالی برجام از سوی واشنگتن، نمی‌تواند موضعی هم‌راستای با امریکا داشته باشد.

– انتقاد شدید انگلستان از مواضع نژادپرستانه دونالد ترامپ

هر چند در ماه‌های اخیر، دولت انگلستان به دلیل ضرورت‌هایی که خروج از اتحادیه اروپا برای این کشور ایجاد کرده، مجبور به نزدیکی هر چه بیشتر با دولت دونالد ترامپ شده است، اما این امر بدین معنا نیست که نخست‌وزیر انگلستان به صورت کامل، ترامپ، اقدامات و گفته‌های او را تصدیق کرده است. حتی در برخی موارد شاهد بوده‌ایم که ترزا می، نقدهای شدیدی را نسبت به ترامپ ایراد کرده است. نمونه آن را می‌توان در انتقاد از ترامپ در مسئله برخورد با افراط‌گرایان ناسیونالیست در آمریکا دانست. «ترزا می، از دونالد ترامپ، بابت محکوم نکردن نئونازی‌ها و گروه‌های طرفدار برتری سفیدپوستان، پس از خشونت‌های نژادپرستانه در ایالت ویرجینیا انتقاد کرد. وی در بیانیه‌ای گفت: من هیچ تشابهی بین کسانی که دیدگاه‌های فاشیستی ابراز می‌کنند و کسانی که با آن مخالفت می‌کنند، نمی‌بینم. فکر می‌کنم برای تمام مسئولان مهم است که دیدگاه‌های راست‌گرایان افراطی را محکوم کنند.» (سایت دویچه وله، 2017).

3-1. فرانسه و ترامپ: تقابل غرور مکرون و جاه‌طلبی ترامپ؛ از دوستی تا تنش

فرانسه و آمریکا متحدان سنتی یکدیگر بوده که تداوم همکاری سیاسی و نظامی آن‌ها همواره ضرورتی غیرقابل انکار بوده است. به‌رغم برخی تفاوت‌های مهم، فلسفه سیاسی آن‌ها بسیار شبیه به یکدیگر است. اگر چه این دو کشور، گاهی اوقات رقابت اقتصادی و تجاری داشته‌اند اما هرگز با یکدیگر وارد درگیری شدید نشده‌اند. این امری است که در مناسبات میان پاریس با انگلیس، اسپانیا، ایتالیا و البته آلمان وجود نداشته است. فرانسه حتی در قرن هجدهم، نقش مهمی در جنگ آمریکا علیه انگلیس ایفا کرد و ایالات متحده حدود 140 سال بعد، در

تأمین بقای فرانسه در برابر گشایش ملی آلمان نقش داشت. علاوه بر این، هر دو کشور، به ظاهر لیبرال و دموکراتیک هستند.

هرچند می‌توان مناسبات میان این دو کشور را سراسر دوستانه و مثبت ارزیابی کرد، اما میان این دو کشور نیز، اختلافات بسیار گسترده‌ای وجود دارد که با توجه به حساسیت‌های خاص فرانسوی‌ها در دوره‌های مختلف مطرح شده است (Frédéric Charillon, 2017) این روند بعد از به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا و امانوئل ماکرون در فرانسه، پیچیده‌تر نیز شده است. با نظر به این تفاسیر، در وضعیت جدید مهم‌ترین محورهای واگرایی و تعامل در مناسبات میان فرانسه و آمریکا را می‌توان در چهار محور ذیل مورد واکاوی قرار داد:

– اختلاف نظر پیرامون توافقنامه محیط زیستی پاریس

به‌رغم دیدارهای چندباره امانوئل ماکرون و دونالد ترامپ و حتی دعوت ماکرون از رئیس‌جمهوری آمریکا برای حضور در روز باستیل¹ که البته با انتقادهای شدید جامعه فرانسه همراه شد، نمی‌توان از هماهنگی یا روند همگرایی میان دو کشور سخن به میان آورد. همچنان‌که دو طرف و به‌طور خاص، ماکرون و ترامپ در مورد تغییرات آب و هوایی اختلاف نظر دارند. اگرچه شاید در ابتدا به نظر برسد که این اختلاف نظر تنها به سطح دو شخصیت سیاسی قابل تقلیل است اما واقعیت آن است که این موضوع می‌تواند منجر به احساس ناسازگاری عمیق میان دو ملت شود. در واقع، ماکرون رویکردی واقع‌بینانه نسبت به مناسبات با ایالات متحده آمریکا و شخص دونالد ترامپ دارد. حتی با دعوت ترامپ به روز ملی فرانسه که از او انتقادات جدی شد، ماکرون با کنش خود این امر را مطرح کرد که

1. جشن‌های روز ملی فرانسه، معروف به جشن‌های روز باستیل، جشنی ملی و تعطیل رسمی در کشور فرانسه و قلمروهای فرادریایی آن کشور است که از سال 1880 تا کنون، در 14 ژوئیه هر سال برگزار می‌شود. این جشن برای گرامیداشت یورش به باستیل و آغاز جنبشی که منجر به انقلاب کبیر فرانسه شد، برگزار می‌شود.



تنش‌های فردی نمی‌تواند عاملی سلبی برای واقعیات سیاسی باشد.» (Ibid). در واقع، «معاهده زیست محیطی پاریس»¹ یکی از مهم‌ترین اختلافات میان دولت فرانسه با دولت دونالد ترامپ است. در حالی که معاهده زیست محیطی پاریس، اهمیت فراوانی برای فرانسه دارد و در دوران اوباما و با تلاش‌های وی، یکی از موارد نزدیکی اروپا و آمریکا بود، با دستور ترامپ مبنی بر ترک این معاهده، یکی دیگر از مسیرهای مثبت رابطه دو طرف به صورت عملی دچار چالش شد. «توافق‌نامه پاریس» که در دسامبر 2015 زیر نظر سازمان ملل با حضور 190 کشور دنیا به امضا رسید، تاکید دارد که هر کشوری به نسبت توانایی و همچنین میزان آلاینده‌هایی که ایجاد می‌کند در کاهش آن پیش قدم باشد. دونالد ترامپ، تعهدات آمریکا در قبال این توافق‌نامه و کلیه قوانین و دستورالعمل‌های دولت اوباما برای مقابله با تغییرات آب و هوایی و گرمایش جهانی را با امضای یک فرمان اجرایی لغو کرد و واشنگتن در 2 ژوئن 2017 از این توافق خارج شد. مقامات اروپایی، به ویژه مکرون به شدت، به این تصمیم آمریکا واکنش نشان داد. (Iuvmpress, 2016). اهمیت این موضوع به‌اندازه‌ای است که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، همتای آمریکایی خود را بارها و آشکارا مورد انتقاد قرار داده است.

- مواضع مخالف دو طرف در ارتباط با برجام

علاوه بر مسئله محیط زیست، یکی دیگر از موارد اختلاف فرانسه و آمریکا در عصر دونالد ترامپ را می‌توان در ارتباط با برجام ارزیابی کرد. طی یک سال گذشته، پاریس با صراحت تمام در محافل مختلف از آمریکایی‌ها درخواست حفظ برجام را داشته است. برای نمونه در یکی از مهم‌ترین اظهارات مکرون در دفاع از برجام، او در 14 فوریه 2018 تصریح کرد: «از آنجا که پیشنهاد بهترین

1. Paris environmental treaty

مطرح نشده است فرانسه خواستار حفظ توافق هسته‌ای ایران است.» (خبرگزاری ایسنا، 25 بهمن 1396). علاوه بر این، می‌توان به سفر سفر ژان ایو لودریان وزیر امور خارجه فرانسه به تهران در 5 مارس 2018 را می‌توان یکی دیگر از نمودهای تلاش فرانسه برای حفظ برجام و اختلاف موضع، پاریس با واشنگتن نسبت به این معاهده بین‌المللی دانست.

در واقع، فرانسه پس از برجام در میان تمام کشورهای حاضر در مذاکرات 5+1 بیشترین تلاش را برای بهره‌گیری از شرایط پس‌برجام و ورود به بازار اقتصادی ایران داشته است. در همین راستا، در زمینه منابع زیرزمینی شرکت توتال فرانسه در اولین گام، در سوم جولای 2017، قرارداد طرح توسعه فاز 11 پارس جنوبی به ارزش 4 میلیارد و 879 میلیون دلار را با ایران به امضا رساند. در ادامه نیز شرکت‌های بزرگ اتومبیل‌سازی فرانسوی به ویژه «رنو» و شرکت هواپیماسازی «ایرباس» تلاش کردند، قراردادهای بزرگی را با تهران امضا کنند و موفقیت‌هایی نیز در این زمینه حاصل شد. مجموع این روند فرانسه را به مهم‌ترین حامی برجام تبدیل کرده است؛ در نتیجه مواضع مخالف ترامپ با پاریس در زمینه حفظ برجام، می‌تواند مهم‌ترین محور تنش میان دو کشور باشد. به‌طور حتم در صورت لغو احتمالی برجام از سوی ترامپ، کشور فرانسه تلاش می‌کند مناسبات اقتصادی خود را با یاران حفظ کند و در اعمال تحریم‌های جدید واشنگتن را همراهی نمی‌کند.

– مخالفت شدید فرانسه با افزایش تعرفه‌های وارداتی از سوی ترامپ

همچنین، یکی دیگر از ابعاد اختلاف فرانسه با آمریکا را می‌توان در مخالفت فرانسوی‌ها با طرح افزایش تعرفه‌های تجاری از سوی کاخ سفید دانست. در این زمینه، در یکی از جدی‌ترین واکنش‌ها رئیس‌جمهوری فرانسه نسبت به افزایش 25 و 10 درصدی تعرفه بر واردات فولاد و آلومینیوم از سوی ترامپ، هشدار داد که وضع تعرفه بر فولاد و آلومینیوم اروپا خطر بروز یک «جنگ تجاری» را در پی دارد



که همه طرف‌ها بازنده آن خواهند بود. مکرون در 9 مارس 2018، در تماس تلفنی با ترامپ نسبت به طرح وضع تعرفه‌ها «عمیقاً ابراز نگرانی کرد» و اظهار داشت که این اقدام خطر «بروز یک جنگ تجاری را در پی دارد که همه کشورهای درگیر آن بازنده خواهند بود. چنین اقداماتی علیه کشورهای متحد که با قوانین تجارت بین‌المللی احترام می‌گذارند، تأثیری در مبارزه با رویکردهای غیرمنصفانه نخواهد داشت.» همچنین، مکرون به ترامپ هشدار می‌دهد که اتحادیه اروپا «به شیوه‌ای روشن و مناسب به همه رویکردهایی که غیرمنصفانه یا مغایر قوانین تجارت بین‌الملل است» پاسخ خواهد داد (خبرگزاری ایرنا، 19 اسفند 1396). بنابراین، یکی از موارد جدی اختلاف فرانسه و آمریکا را در دوران جدید، می‌توان در ارتباط با بحث تجارت آزاد و تعرفه‌های گمرکی ارزیابی کرد که با اقدام متقابل اتحادیه اروپا، می‌تواند منجر به سردی مناسبات میان طرفین شود.

- تلاش پاریس برای رهبری اروپا با ابزار ترامپ

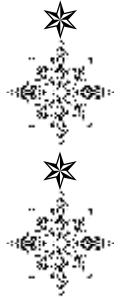
با تمام این تفاسیر، مکرون با وجود اختلاف‌نظرهای جدی با ترامپ، با دعوت از وی بیشترین بهره‌برداری را از سفر او به پاریس کرد به‌طوری که خود را در قاموس رهبر جدید اروپا معرفی کرد و در عین حال ضمن مخالفت عملی با رویکردهای جدید ترامپ در مواجهه با برخی کشورها نظیر ایران تلاش کرد رفتارهای تنش‌زای ترامپ را به نوعی مدیریت کند. مکرون نشان داد که گرچه تازه وارد به عرصه سیاست است، ولی آنقدر آماتور نیست که تسلیم بازی‌های رئیس‌جمهور تاجرپیشه آمریکا شود (کریمی، 1396). در مجموع، روند معادلات نشان داده است که مکرون، نهایت بهره‌برداری را از شرایط موجود می‌کند به‌طوری که قصد داشت با دعوت از ترامپ، خود را در نقش رهبر جدید اروپا معرفی کند زیرا در آن شرایط، باثبات‌ترین رهبر در اروپا نیز بود. مرکل، صدر اعظم آلمان در آستانه انتخاباتی جدید قرار داشت و آینده سیاسی حزب وی به نتایج انتخابات سپتامبر بستگی داشت و خانم ترزا می نیز درگیر موضوع برگزیت

بود و هست، اما مکرون با گرم کردن روابط با آمریکا، مانع انزوای بیشتر آمریکا و بالطبع، تهاجمی تر شدن سیاست خارجی آمریکا شده و در عین حال با استحکام روابط خود با آمریکا تلاش می‌کند در مدیریت مسائل جهانی، نقش آفرینی بیشتری کند.

2. چشم‌انداز پیش‌روی مناسبات برلین، پاریس و لندن با واشنگتن در عصر ترامپ در ترسیم چشم‌انداز پیش‌روی مناسبات کشورهای آلمان، انگلستان و فرانسه با آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ باید به دو بُعد اساسی مسئله توجه داشت: نخست، زمینه‌هایی خدشه‌ناپذیر برای هم‌گرایی میان این کشورها با ترامپ همچنان وجود دارد و دوم، اتحادیه اروپا و به‌طور خاص کشور آلمان، خواهان استقلال عمل و حتی در عرصه‌هایی، تقابل در برابر ترامپ و خواسته‌های او می‌باشد. در بررسی این دو بُعد، در ابتدا درباره زمینه‌های خدشه‌ناپذیر همگرایی و همکاری که می‌تواند نزدیکی میان طرفین را حفظ کند، می‌شود به سه محور یا موضوع مهم اشاره کرد:

الف) همکاری‌های امنیتی و نظامی: در حال حاضر، بزرگ‌ترین مشکل جهان، تروریسم و افراطی‌گری و راه‌های مبارزه با آن می‌باشد. این مسئله به‌ویژه پس از مورد حمله قرار گرفتن شهرهای مهمی چون پاریس، لندن و...، برای غرب بسیار حایز اهمیت شده است. اتحاد و همگرایی اروپا با آمریکا در حل این معضل و شرکت جستن در ائتلاف جهانی علیه تروریسم به سرکردگی آمریکا، از جمله موارد اشتراک در سیاست‌های فعلی دو طرف می‌باشد که موجب نزدیکی آن‌ها خواهد بود.

ب) مبادلات تجاری - اقتصادی: اروپا و آمریکا طی دهه‌های طولانی، مبادلات اقتصادی خوبی با هم داشته و بزرگ‌ترین شرکای تجاری هم به شمار می‌روند. در این میان، سهم برخی کشورها از جمله آلمان در صادرات به آمریکا بسیار پررنگ و



حایز اهمیت است. به ریاست جمهوری رسیدن ترامپ که مسلک تاجرپیشگی دارد هرچند که با شعارهایی نظیر آمریکا برای آمریکاییان و نیز اظهاراتی برای پرداخت بدهی‌های کشورهای اروپایی همراه بود، اما نمی‌تواند به این معنی باشد که این شرکای تجاری را از دست بدهد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که مبادلات اقتصادی میان دو طرف همچنان عامل همکاری‌جویانه میان این دو خواهد بود. با این وجود، طرح جدید ترامپ در ارتباط با افزایش تعرفه‌های گمرکی از نظر اروپا نقض کامل تجارت آزاد تلقی شده است و در آینده نیز می‌تواند موجبات رقابت بزرگ اقتصادی میان این سه قدرت اروپایی با آمریکا را به همراه داشته باشد.

پ) همکاری در سازمان ناتو: این سازمان از لحاظ امنیتی برای اروپا بسیار حایز اهمیت است. از طرف دیگر مسیر حمایت ایالات متحده از کشورهای اروپایی در برابر خطرات احتمالی روسیه و دیگر خطرات از این نهاد می‌گذرد. از این رو، ناتو نقش مهم و مثبتی در روابط اروپایی-آمریکایی بازی می‌کند. اگرچه ترامپ در نشست اخیر بروکسل، از پرداخت بدهی و افزایش سهم مالی کشورهای اروپایی در ناتو سخن به میان آورد (چرا که معتقد است هزینه امنیت اروپا را نباید آمریکا بر دوش بکشد) اما به نظر نمی‌رسد زمینه‌های همکاری امنیتی در این سازمان از بین برود و همچنان مجالی برای همگرایی بیشتر اروپا و آمریکا طبق تضمین‌های امنیتی پیشین این سازمان خواهد بود.

با وجود این زمینه‌های قطعی همکاری و همگرایی، واقعیات نشان می‌دهند که هیچ‌یک از سه قدرت اصلی اروپا، حاضر به دنباله‌روی همچون گذشته از آمریکای ترامپ نیستند. کشور انگلستان به دلیل مشکلات ساختاری که با آن مواجه است، سیاست نزدیکی بیشتر با ترامپ را در پیش گرفته و حتی در بسیاری از ملاحظات، جانب احتیاط را در برابر رئیس‌جمهوری آمریکا رعایت می‌کند. در آینده نیز می‌توان متصور شد که ترامپ برای تنها نماندن در میان قدرت‌های جهانی، مسیر نزدیکی به انگلستان را در پیش بگیرد. کشور فرانسه،

رویکردی پیچیده‌تر و واقع‌بینانه‌تر را در برابر ترامپ در پیش گرفته است. از یک سو، در برخی از امور، نزدیکی با مواضع ترامپ را در دستور کار قرار داده و از سوی دیگر در اموری همانند برجام، وحدت اروپا و امنیت زیست‌محیطی، رویکردی ضد دولت ترامپ را در پیش گرفته است. آنگلا مرکل، مهم‌ترین رویکرد را در برابر چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا اتخاذ کرده است. به نظر می‌رسد آنگلا مرکل، قصد همراهی با ترامپ را نداشته باشد و با موضع‌گیری‌های خود، خواهان تغییراتی در روابط بین آلمان و اروپا با آمریکا است.

یکی از راه‌حل‌هایی که تقریباً عملی نیست و زمانی طولانی، هزینه و امکانات زیادی را برای رسیدن به واقعیت می‌طلبد، جدایی سیاست‌های آلمان و اروپا از آمریکا می‌باشد. این موضوع برای بسیاری از سیاستمداران اروپایی روشن است که آینده آنها بدون آمریکا قابل تصور نیست. به همین دلیل، باید این راه مشترک را با آمریکا طی کنند. ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا است و آلمان و اروپا باید با این واقعیت به سمت جلو حرکت کنند. آنگلا مرکل تأکید کرده است که ما در کنار آمریکا و در کمال دوستی با آمریکا برای آینده خود تصمیم خواهیم گرفت. بنابراین این موضع مرکل که در طول این 12 سال صدراعظمی او بی‌سابقه بوده است، تنها به نوعی بازتعریف در روابط فراتلانتیکی آلمان و اروپا اشاره دارد و انتظار نمی‌رود که در بخش‌های مهمی مانند سیاست امنیتی اروپا و آتلانتیک تغییراتی صورت گیرد. اما ممکن است این تغییرات در حوزه اقتصاد، محیط زیست، مهاجرت، پناهندگی و حقوق بشر تا حد بیشتری دیده شود. (زارعی، 1396)

نتیجه‌گیری

از ابتدای نوشتار حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی بودیم که «روند مناسبات انگلستان، فرانسه و آلمان با آمریکا در عصر دونالد ترامپ دچار چه دگرگونی‌هایی شده و آینده روابط میان این کشورها به چه سمتی پیش خواهد



رفت؟» برای پرداختن به این پرسش، پیشینه‌ای از تاریخ مناسبات آمریکا با اروپا ارائه شد، به زمینه‌های پیش‌ران در دگردیسی در مناسبات میان اروپا با آمریکا در عصر ترامپ اشاره شد. مناسبات هر یک از قدرت‌های اروپایی آلمان، انگلستان و فرانسه با کشور آمریکا بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت، چشم‌اندازی کلی از مناسبات میان طرف‌ها ارائه شد. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در پنج محور زیر خلاصه کرد:

1. ابعاد هم‌گرایی ایالات متحده و اروپا به حوزه منافع و نقش‌های متفاوت هر کدام از آنها بستگی دارد. در حوزه‌هایی که منافع مشترک و موازی داشته یا نقش جهانی و بین‌المللی دارند، شاهد همگرایی آنها هستیم و در حوزه‌هایی که با هم در تعارض هستند، نقش ملی برجسته‌تر شده و شاهد واگرایی و رقابت آنها خواهیم بود، هرچند که موقتی بودن این اتفاقات، محتمل است و بیشتر به اختلافات دولت ترامپ با اتحادیه اروپا باز می‌گردد.

2. مهم‌ترین محورهای واگرایی و زمینه‌ساز اختلاف اروپا با دولت آمریکا در عصر دونالد ترامپ، موضوعاتی همچون نوع ادامه حفظ یا لغو برجام، مشارکت در ناتو، تجارت آزاد، حفظ وحدت در اتحادیه اروپا و چالش بر سر مسائل زیست محیطی هستند. در این زمینه، کشورهای اروپایی نسبت به رویکردهای بی‌ثبات و مقطعی ترامپ به شدت نگران هستند و بر این امر تأکید دارند که اگر او وعده‌های خود را عملی کند، ضروری است اروپا در برابر آمریکا موضع بگیرد.

3. آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان مهم‌ترین قدرت رقیب و مخالف دونالد ترامپ است. اگر دولت آلمان در دوران باراک اوباما مهم‌ترین شریک تجاری و سیاسی آمریکا محسوب می‌شد، در دوران ترامپ به مهم‌ترین رقیب واشنگتن تبدیل شده است. مرکل با اعتقاد به نقش رهبری آلمان در اتحادیه اروپا و با بهره‌گرفتن از روان جمعی آلمانی‌ها که میل به سروری و برتری در آن نهفته است، حضور ترامپ را فرصتی می‌داند برای این که برلین با رهبری اتحادیه

اروپا، شکوه و عظمت را دوباره به سرزمین ژرمن‌ها برگرداند. از این رو، در آینده نیز می‌توان شاهد رقابت‌های بیشتر میان آلمان و آمریکا در عصر ترامپ بود.

4. کشور انگلستان که همزمان با به قدرت رسیدن ترامپ، در مسئله خروج از اتحادیه اروپا (برگزیت) درگیر شده است، برای حفظ توان مالی و سیاسی خود به شدت به همکاری و کمک آمریکا احساس نیاز می‌کند. دولت انگلستان در همین راستا، رویکرد نزدیکی به ترامپ را در پیش گرفته است اما با توجه به اینکه ترامپ در رویه‌ها و کنش‌های خود از ثبات برخوردار نیست، ترزا می تلاش کرده است تا از طریق دیدارهای مستقیم و همراهی نسبی با رئیس‌جمهوری آمریکا، رضایت او را برا گسترش همکاری‌ها با لندن جلب کند.

5. مکرون، رئیس‌جمهور جوان و جاه‌طلب فرانسوی‌ها رویکردی واقع‌بینانه و بینابینی را در قبال دولت ترامپ در پیش گرفته است. از یک‌سو، به هیچ‌عنوان همانند مرکل، خواهان رقابت و تقابل جدی با ترامپ نیست و در برخی از امور با صراحت رویکرد و دیدگاه‌های او را تصدیق می‌کند و از سوی دیگر، در موضوعاتی همچون وحدت اتحادیه اروپا، ناتو، حفظ برجام و امنیت زیست محیطی، رویکردی کاملاً متفاوت با ترامپ را اتخاذ کرده است. در نتیجه به نظر می‌رسد در آینده، شاهد همکاری میان پاریس با واشنگتن در حوزه‌هایی همانند رویکرد به خارومیانه، مبارزه با تروریسم و... باشیم.



منابع و مآخذ

منابع فارسی

- امیری، مهدی (1384)، ارزیابی مقایسه‌ای مواضع و دیدگاه‌های اتحادیه‌های اروپا و آمریکا درباره موضوعات مهم جهانی، مجلس و پژوهش، 1384، سال 12، شماره 48.

- ایران - یوریکا (الف: 1395)، چالش آقای ترامپ برای خانم ترزا می، ایران - یوریکا: مؤسسه ایرانی مطالعات اروپا و آمریکا، 14 آذر 1395، قابل دسترس در:

<http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=475>

- ایران - یوریکا (ب: 1395)، روابط ویژه انگلستان و آمریکا در دوران پسابریگزیت و تصدی ترامپ، ایران- یوریکا: مؤسسه ایرانی مطالعات اروپا و آمریکا، 14 آذر 1395، قابل دسترس در:

<http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=443>

- برزگر، کیهان (1389)، آمریکا و جهان پس از حوادث 11 سپتامبر، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 31 شهریور 1389.

- پوراحمدی حسین (1389)، هم‌گرایی و واگرایی در روابط اتحادیه اروپا- آمریکا: موضوعات و زمینه‌ها، فصلنامه روابط خارجی، 1389، سال دوم، شماره 5.

- چشم‌انداز روابط اتحادیه اروپا و آمریکا در دوره ترامپ (14 ژوئن 2017)، قابل دسترس در:

<http://iuvmprss.com/fa/13271>

- خبرگزاری ایرنا (19 اسفند 1396)، هشدار رئیس‌جمهور فرانسه به ترامپ؛ مکرون: در جنگ تجاری همه بازنده‌ایم، قابل دسترس در: <http://www.irna.ir/fa/News/82857092>

- خبرگزاری ایسنا (25 بهمن 1396)، مکرون: فرانسه خواستار حفظ توافق هسته‌ای با ایران است، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/96112514786>

- دهشیار، حسین (1389)، درک متفاوت اروپائیان از آمریکا، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 1 مرداد 1389.

- دویچه وله (2017)، دونالد ترامپ، ترزا می و سرنوشت اروپا، سایت، 27 ژانویه 2017، قابل دسترس در:

<http://www.dw.com/fa-ir -37294691>

- سایت انتخاب (27 دی 1395)، دفاع بوریس جانسون از ادامه اجرای برجام، قابل دسترس در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/317440>

- عصر ایران (29 سپتامبر 2017)، دفاع آنگلا مرکل از توافق اتمی با ایران در گفت‌وگو با ترامپ، قابل دسترس در: <http://www.ariairan.com/>

- کریمی، غلامرضا (1396)، بازی موفق مکرون در برابر ترامپ، جام جم آنلاین، 31 تیر 1396، قابل دسترس در: <http://jamejamonline.ir/online/2926276802147116545>

- زارعی، محمد (1396)، واکاوی پیام مرکل به ترامپ؛ بازتعریف روابط فرآتلانتیکی اروپا، سایت فراتاب، 14 خرداد 1396، قابل دسترس در: <http://www.faratab.com/news/6243>

- مهربان، عبدالله (مهر 1396)، گفت‌وگو با دکتر عبدالله مهربان، کارشناس ارشد مسائل اروپا، مهر 1396.

- نشست جی 7 (10 خرداد 1396)، آغاز مسیر جدایی اتحادیه اروپا از آمریکا، سایت الوقت، قابل

دسترس در: <http://alwaght.com/fa/News/99353>

– واعظی، محمود (1387). رویکرد اتحادیه اروپا به خاورمیانه، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و اصلاحات در خاورمیانه، شماره 14.

منابع انگلیسی

- BBCNEWS (9 March 2018), US steel tariffs: Germany's Merkel calls for EU exemption, Available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-us-canada-43340203>
- Blyth Mark (2016), Global Trumpism: Why Trump's Victory Was 30 Years in the Making and Why It Won't Stop Her, Foreign Affairs, 15 November 2016, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2016-11-15/global-trumpism>
- Christys, Patrick (2 Apr 2017), 'Completely the wrong direction!' Germany in war of words with Trump over trade policy, Available at: <https://www.express.co.uk/news/world/786867/Donald-Trump-economy-executive-order-Angela-Merkel-Germany-deficit>
- Deutsche Well (17 April 2018), Germany's Gabriel: 'We need a European moment', Available at: <http://www.dw.com/en/germanys-gabriel-we-need-a-european-moment/a-42624573>
- Donnelly, Grace (2 March 2018), These Are the Industries That Will Be Most Impacted by Trump's Steel and Aluminum Tariffs, Available at: <http://fortune.com/2018/03/02/trump-steel-aluminum-tariff-industries>
- Frédéric Charillon (2017), The Ups And Downs of Franco-American Relations, July 19, 2017, Available at: <http://theconversation.com/the-ups-and-downs-of-franco-american-relations-81215>
- Frum David (2017), Trump's Trip Was a Catastrophe for U.S.-Europe Relations, 28 MAY 2017, Available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/05/trump-nato-germany/528429/>
- Gollub, Julia and Tobias Krume (June 2010), The European Union In the Middle East.
- Janes Jackson and Yixiang Xu (2017), A New Narrative For German-American Relations, American Institute For Contemporary German Studies, 2017, Available At: <http://www.aicgs.org>
- Nelson Louis (2017), Trump: Our Relationship with Germany Is 'Very Bad For U.S., 30 May 2017, Available At: <https://www.politico.com/story/2017/05/30/trump-germany-relationship-tweet-238930>.

